

۲۱۰۷ - 2111

خلف تبریزی، محمدحسین

الانصاری را که هر یک حاوی چندین کتاب لغات‌اند، به طریق ایجاز بنویسد...». ظاهراً فرهنگ جهانگیری اولین کتابی بوده است که ابن‌خلف به آن مراجعه کرده و گاه، سبک و حتی همان عبارات فرهنگ جهانگیری را عیناً نقل کرده است (لغت‌نامه، همان جا).

علی‌اصغر حکمت در مجله فرهنگستان و محمد معین در مقدمه برهان قاطع ذکر کرده‌اند که مؤلف از کتب دیگری نیز، چون مؤید الفضلاء، اختیارات بدیعی، دست‌آورد (نام کتاب آسمانی مجعول)، معیار نصرتی تألیف شمس فخری، و دیوان اطعمه بسحاق شیرازی، بهره برده است. همچنین، برای لغات زند و پازند و هزوارش و پهلوی از نسخه‌ای که احتمالاً ترجمه‌ای از فرهنگ پهلویک بوده استفاده کرده است. کار اصلی وی در تألیف برهان قاطع، تهذیب، تنظیم، و فراهم آوردن همه‌واژه‌های منابع اصلی در یک کتاب و نیز حذف شواهد و مکررات و افزایش پاره‌ای واژه‌ها و استعاره‌ها و ترکیب‌های لغوی است.

برهان قاطع، به سبب آوازه‌بسیاری که به دست آورد، نظر دانشمندان و پارسی‌شناسان را به خود جلب کرد؛ به طوری که، برخی از آنها کتاب‌هایی درباره آن یا در جهت تکمیل یا در ذکر اشتباهات آن نوشتند. کتاب‌هایی چون قاطع برهان، ساطع برهان، رافع هذیان، تیغ تیز، و تیغ تیزتر در رد این کتاب و انتقاد از آن نوشته شده است. نخستین کسی که بر برهان قاطع تحشیه نوشت محمد معین بود که نگارش آن از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۹ ش به طول انجامید (لغت‌نامه، همان، ص ۲۰۴؛ دانشنامه زبان و ادب فارسی، ذیل «برهان قاطع»).

در قرن یازدهم، ادب فارسی در هندوستان روزبه‌روز گسترش یافت و انتشار فراوان کتب شعر و دیوان شعرا در دربار جلال‌الدین اکبر، پادشاه شعر دوست و ادب‌پرور هند، سبب شد مردم هند بیش از پیش به فهم معانی لغات و اصطلاحات مشکل نیاز

محمدحسین بن خلف تبریزی، متخلص به «برهان»، نویسنده لغت‌نامه مشهور برهان قاطع در سده یازدهم هجری قمری است.

از احوال و تاریخ تولد و مرگ او اطلاعی در دست نیست. او برهان قاطع را در ۱۰۶۲ ق، در حیدرآباد دکن، نگاشته است (لغت‌نامه، مقدمه، ص ۲۰۱). علی‌اصغر حکمت گفته است که محمدحسین تبریزی کتاب برهان قاطع را به نام «سلطان عبدالله قطب شاه»، پادشاه شیعه مذهب گلکنده و از قطب‌شاهیان، نوشته است. سلطان عبدالله، که ممدوح و معاصر برهان تبریزی بود، ششمین پادشاه از سلسله سلاطین جنوب هندوستان بود که بعد از سلاطین بهمنی، از سال ۹۱۸ ق / ۱۵۱۲ م تا ۱۰۸۳ ق / ۱۶۷۲ م، در قسمتی از فلات دکن حکمرانی می‌کردند. هنوز قلعه و مقبره‌های آن سلاطین در خارج شهر حیدرآباد دیده می‌شود (همان، ص ۲۰۲؛ صفا، ج ۵، بخش ۱، ص ۳۸۴).

ابن یوسف، در جلد دوم فهرست کتابخانه سپهسالار، برهان را از شعرای قرن یازدهم هجری دانسته است، اما محمد معین گفته است که جز دو سه قطعه که در دیباچه کتاب آمده است و نسبت آن به برهان نیز جای شک دارد، شعری از او در جایی ندیده است. ذبیح‌الله صفا نیز وی را در زمره مؤلفان و شاعران سده یازدهم هجری برشمرده است (همان جاها).

نویسنده برهان قاطع کتاب خود را با استفاده از کتاب‌های لغت و فرهنگ‌های متعدد نوشته است. خود او چهار کتاب را نام برده و گفته است: «چون کمترین بندگان... می‌خواست که جمیع لغات فارسی و پهلوی و دری و یونانی و سریانی و رومی و بعضی از لغات زند و پازند و لغات مشترکه و لغات عربیه و متفرقه و اصطلاحات فارسی و استعارات و کنایات به عربی آمیخته و جمیع فواید فرهنگ جهانگیری و مجمع الفرس سروری و سرمة سلیمانی و صحاح الادویه حسین

علی اکبر ولایتی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و
ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ISAM DN. 260935

15 SUBAT 1991

madde: BURHAN-I KATI'

A.Br. : c. 1, s.

B.L. : c. 19, s. 2019

F.A. : c. 1, s.

M.L. : c. 1, s. 679

T.A. : c. 1, s. 431

واژه‌هایی چند از برهان قاطع : سلیم ، ع .
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی
ش : ۲ ، س : ۱۷ ، تابستان ۱۳۴۴ ، ص : ۲۴۱ - ۲۶۰
ش : ۳ ، س : ۱۷ ، پاییز ۱۳۴۴ ، ص : ۳۷۷ - ۳۸۹

BURHAN-I KATI'

MADDE YAYIMLANDIRGAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Burhan-i Kati'

1942 GUIZZO, Daniele. *I tre classici della lessicografia persiana d'epoca Moghul: Farhang-i ġahāngīrī, Burhān-i qāṭi' e Farhang-i rašīdī*. Venice: Cafoscarina, 2002 (Eurasistica, 67). 202pp.

29 MART 2019

BURHAN-I KATI

IBNŪT-VEZĪR, ʿABU ABŪLLAḤ ʿIBRĀHĪM
89-964041

Ibn al-Wazīr, Muḥammad ibn Ibrāhīm, 1373
or 4-1436.

{Burhān al-qāṭi' fī ithbāt al-ṣāni'
wa-jamī' mā jā'at bi-hi al-sharḥ-i'
al-brḥān al-qāṭi' fī ithbāt al-mānīc
wa-jamīc mā jā'at bi-hi al-sharḥ-i' / ḥuṭḥ
ibn ʿIbrāhīm al-wazīr al-yemīn / ḥuṭḥ
al-yemīn ʿIbrāhīm al-yemīn. --
al-yemīn 1. -- ḍamīq : bīsrot : dār
al-ma'mūn li-lṣarāḥ, 1988.

31 OCAK 1994

137 p. : facsims. ; 24 cm.
Title page partially vocalized.
Includes bibliographies and
indexes.
£E1.50
L&S-Islam.

MADDE YAYIMLANDIRGAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Burhan-i Kati
from Saadati

04146 DESAI, Z.A. A 17th century Iranian calligrapher of India and the identity of the father of the author of Burhan-i-Qati. *Indo-Iranica* 30 i & ii (1977) pp. 49-61.

19 MART 1997

Adīb Ṭūsī, Muḥammad Amin.
{Zaylī bar Burhān-i qāṭi'}
Zaylī bar Burhān-i qāṭi', yā, Farhang-i lughāt-i bā-
zyāftāh / ta'ālīf-i Adīb Ṭūsī. -- Čāp-i 1. -- Tabriz :
{Čāpkhānah-i Shafaq}, 1343 [1964]
4, 195 p.
Persian
I. Title: Farhang-i lughāt-i bāzyāftāh. nef 3-29847

دانشنامه جهان اسلام، (۳)، تهران ۱۳۷۶، IRCICA. DAN 36948

برهان قاطع

۳۰۵

البرهان در چهار جلد، یک بار با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم در ۱۳۷۶ در مصر، و بار دیگر به تحقیق عبدالقادر عطا در ۱۴۰۸ در بیروت به چاپ رسیده است (مشار، ستون ۱۲۵).

منابع: مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ محمد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ همان، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، جمال حمدی ذهبی، و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ خانابا مشار، فهرست کتابهای چاپی عربی، تهران ۱۳۴۴ ش.

/ تاهید باقری /

بُرهان قاطع، فرهنگ لغت فارسی به فارسی نوشته محمدحسین بن خلف تبریزی، متخلص به «بُرهان». او در عهد خود جامع فنون بود و شعر نیز می سرود (صاعدی شیرازی، ص ۳۱۷). ابتدا در حیدرآباد سمت ندیمی شمس الدین محمد بن علی خاتون عاملی، شاگرد شیخ بهاء الدین عاملی (متوفی ۱۰۳۱)، را داشت و حواشی شرح جامع عباسی شمس الدین محمد را گردآوری و در ۱۰۵۴ به صورت کتابی تدوین کرد، سپس به گلکنده رفت و ندیم سلطان محمد قطب شاه شد و در روزگار عبدالله قطب شاه منصب پیشوایی (وزیر اعظمی) یافت (اخترحسین، ص ۱۲۳؛ نیز ← داعی الاسلام، ج ۵، دیباچه، ص ۲۶).

برهان قاطع در ۱۰۶۲ به نام سلطان عبدالله قطب شاه (حک: ۱۰۳۶-۱۰۸۳) نوشته شد و نخست در هندوستان و سپس در ایران آوازه تام یافت. در قرن یازدهم، به دلیل گسترش و رواج روزافزون زبان و ادب فارسی در هند، نیاز به چنین فرهنگی برای درک و ازگان دشوار دیوانهای فارسی سرایان، بیش از پیش احساس می شد. مؤلف آن به بیشتر فرهنگهای لغتی که پیش از او تدوین شده بود، نظر داشته و کوشیده است که کتابش جامع و حاوی همه آنها باشد، لذا برهان قاطع از نظر کمیت افزونتر از فرهنگهای گذشته است و از همان زمان تألیف، کثرت لغات و ۸مطالب آن توجه اهل فضل را به خود جلب کرده است (← برهان، ج ۱، مقدمه، ص هشتاد و هفت - هشتاد و هشت). ترتیب دقیق الفبایی لغات و ترکیبات نو در زمینه های گوناگون، خاصه طب، از محاسن دیگر برهان قاطع است.

مقدمه برهان قاطع (ج ۱، ص ط - م) شامل نه «فایده» است: «معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی، چگونگی زبان فارسی، تعداد حروف تهجی و فرق میان دال و ذال، تبدیل حروف فارسی به حروف دیگر، ضمائر، حروف مفردة اوایل و اواسط و اواخر کلمات، حروفی که برای زینت کلام آرند، حروفی که به آخر اسماء و افعال به جهات گوناگون افزایند و توصیف آنچه در

ناسخ و منسوخ قرآن؛ توهم اختلاف در قرآن؛ شناخت محکم و متشابه؛ حکم آیات متشابهی که درباره صفات خداوند است؛ اعجاز قرآن؛ وجوب تواتر قرآن؛ یاری سنت در فهم قرآن؛ شناخت تفسیر قرآن؛ شناخت وجوب در مخاطبات؛ بیان حقیقت و مجاز قرآن؛ کنایه و تعریض؛ اقسام معنای کلام؛ تعدادی از اسلوبهای بلاغی قرآن؛ و شناخت ابزار و ادواتی که مفسر به آن نیاز دارد.

مؤلف در هر یک از این مباحث، ابتدا تاریخچه پژوهش آن را بیان، و خود آن را تعریف می کند، سپس به بررسی دیدگاه علما درباره آن مبحث می پردازد و از کتابها و دانشمندان بسیاری نقل قول می کند، از جمله از کشاف و اساس البلاغه زمخشری، المفردات راغب، تاریخ طبری، امالی نسید مرتضی، و اسباب النزول واحدی (همان، ج ۱، مقدمه، ص ۷۲-۷۶، ۸۱). او میان آرای علما، مناظره های غیبی به وجود می آورد، سپس از بحثها نتیجه گیری می کند و سرانجام نظریه خود را می گوید و اشکال عقاید علمای پیش از خود را با استدلالهای ادبی، تفسیری، فقهی و حدیثی مطرح می سازد و گاهی ذیل عنوان «فصل» به مطالب حاشیه ای یا شرحهای اضافی می پردازد تا سخن را تکمیل کند. وی به تناسب بلندی و کوتاهی مباحث، برخی از انواع را به فصول و بخشهای گوناگون تقسیم کرده و به چهار نوع واپسین (کنایه و تعریض، اقسام معنای کلام و ...) تفصیل بیشتری می دهد، ازینرو البرهان از لحاظ ادبی بر دیگر کتب علوم قرآنی امتیاز دارد.

ترتیب منطقی انواع و فصول، بیان مشروح آرای گوناگون و دلایل قائلان به هر رأی و رأی خود مؤلف، ایجاز و استحکام عبارات، و نثر ساده از ویژگیهای این کتاب است. در مقابله متن با منابعی که زرکشی از آنها سود جسته، دقت و صحت مطالب آن آشکار می شود، زیرا مؤلف با هوشمندی و تسلط بر انواع علوم، در شناخت انواع سخن، از دشوار و آسان و نادر و غریب، و دریافت شاذ و غیر شاذ صاحب نظر بوده است (همان، ج ۱، مقدمه، ص ۱۶).

از این کتاب در تألیف کتابهای دیگر استفاده شده است، از جمله سیوطی (۸۴۹-۹۱۱) آن را در تألیف الاتقان فی علوم القرآن، اساس قرار داده است. به عقیده سیوطی، هر کس پس از زرکشی در زمینه علوم قرآنی تألیفی دارد، بر البرهان تکیه کرده است (همان، ج ۱، مقدمه، ص ۷۶-۸۱؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۲۴۰-۲۴۱). کتاب زرکشی پس از الاتقان سیوطی در جوامع علمی متروک ماند و تعداد اندک نسخه های خطی آن نشان دهنده همین مطلب است (زرکشی، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۳-۱۴). این نسخه ها در کتابخانه های معتبر نگهداری می شود.

فهرست مندرجات

صفحه	نویسنده	عنوان
۱	دانشمند محترم جناب آقای علی اصغر حکمت	برهان قاطع
۲۴	آقای احمد اشتری	گل و بلبل
۲۵	جناب آقای دهخدا	آراستن
۳۷	آقای پروفیسور ماسینیون	خطابه آقای پروفیسور ماسینیون
۴۱		ترجمه خطابه آقای اون نماینده شورای بریتانیا
۴۶	جناب آقای دهخدا	پژوهش نامه
۴۹	آقای ملك الشعراء بهار	درانجمن روابط فرهنگی ایران و هند

نامه فرهنگستان

شماره اول

خردادماه ۱۳۲۴

سال سوم

سیصدمین سال تألیف کتاب «برهان قاطع»

چون کتاب برهان قاطع در سال ۱۰۶۲ هجری تألیف شده، و این ایام مقارن سیصدمین سال تألیف آن بود، در سیصد و نهمین جلسه فرهنگستان در تاریخ ۲۴ ذیحجه الحرام ۱۳۶۳ مطابق با بیستم آذر ۱۳۲۳ شمسی جناب آقای علی اصغر حکمت کارمندییوسته فرهنگستان برای ذکر خیر و تجلیل نام مؤلف نامی آن و شرح نسخه خطی جامعی که در سال ۱۰۶۳ کتابت شده و در کتابخانه ملی موجود است خطابه ذیل را ایراد فرمودند:



آنچه بنده ضعیف را بر عرض این سخنان در محضر شریف فرهنگستان اجازت داد همانا ذکر نسخه ایست که اینک در مد نظر محترم قرار دارد.

این نسخه که يك سال بعد از تألیف اصل کتاب (برهان قاطع) تحریر شده اینک درست سیصد سال قمری از عمر آن میگذرد. فرهنگ نگاری ایرانی سیصد سال قبل از این عمر عزیز را در اقصای دکن هندوستان در حال دوری از وطن مصروف نگارش چنین کتابی در لغت مادری خود نموده است اکنون جا دارد که فرهنگستان ایران نیز چند دقیقه از اوقات گرانبهای خود را بتدکار نام او و اثر گرانبهای او مصروف فرماید.

این نسخه برهان قاطع در تاریخ ۱۰۶۳ هجری در شهر حیدرآباد دکن قلمی شده

نامه فرهنگستان هر سه ماه یکبار منتشر میشود بهای هر شماره ۱۵ ریال است
محل فروش: دبیرخانه فرهنگستان - کتابفروشیهای ابن سینا - دانش - آذر
(خیابان سعدی)

شده که مطالب در کمال سادگی و به اختصار بیان شود. سخن در باره ابو مسلم و شخصیت او و حتی نسب او و کارهای بزرگی که بدست او انجام گرفت بسیار گفته شده و تاریخ نویسان قدیم و معاصر در باره سرگذشت ابو مسلم کتابها و داستانش نوشته اند. قدر مسلم این است که ابو مسلم مردی ایرانی و سرداری دلیر بود که از نارضائی مردم نسبت به دستگاه خلافت اموی آگاهی داشت و برای بر انداختن خلافت امویان و باز گرداندن خلافت به خاندان پیغمبر کوشید بدین طریق که نخست از آل علی برای قبول خلافت دعوت کرد و سپس روی به بنی عباس آورد و در خراسان به سواد آنان و گرفتن بیعت برای آنان کوششها کرد و پس از رسیدن بنی عباس به خلافت ابو مسلم در راه فرونشاندن فتنه های نواحی مختلف عتالم اسلامی شمشیرها

مؤلف در سه صفحه و فهرست کتاب در یک صفحه چاپ شده است. متن کتاب در یکصد و هشتاد و هفت صفحه میباشد در پایان کتاب یادداشتها در بیست و هفت صفحه، فهرست مآخذ کتاب در سیزده صفحه، فهرست عمومی اعلام در چهارده صفحه، و توضیحات در دو صفحه به چاپ رسیده است.

مندرجات کتاب عبارتست از دور نمائی از روزگار ابو مسلم « ابو مسلم کیست »، تصویری از ابو مسلم، دعوت عباسی، ابو مسلم در خراسان، سقوط امویان در ایران، کار عراق، ابو مسلم و خلفای عباسی، هدف ابو مسلم، خویشخواهی ابو مسلم، و ابو مسلم نامه ها.

مؤلف در مقدمه خود مینویسد « کتاب حاضر به خصوص برای مطالعه جوانان فراهم آمده است بنا بر این در نگارش آن سعی

کشید و حتی بعقیده برخی از مورخان در این راه به قدری پیش روی نمود که از آل علی هم نگذشت و به این ترتیب کار خلافت را بر عباسیان مستقر ساخت. اما سر انجام این مسرد شمشیر که خلافت عباسیان به زور بازو و نیروی شمشیر او استقامت و پایداری پذیرفته بود به غدر و حيله و تمهید مقدماتی ننگ آور

به دست منصور خلیفه کشته شد. کتاب ابو مسلم زندگی وی و کسانی را که بخویشخواهی او قیام کردند بخوبی و بی طرفانه شرح میدهد. این کتاب که پنجمین کتاب از سلسله کتب جوانان برای آشنائی با فرهنگ و تمدن و سرزمین ایران میباشد با کاغذی خوب و چاپی نیکو به چاپ رسیده است.

ذیلی بر برهان قاطع

یا

فرهنگ لغات باز یافته

تألیف ادیب طوسی - ۱۹۵ صفحه - چاپ اول -
چاپخانه شفق - تبریز ۱۳۴۳ ش.

این کتاب با سر آغازی از آقای منوچهر مرتضوی در چهار صفحه و مقدمه از مؤلف در دو صفحه شروع میشود. متن کتاب در یکصد و هشتاد و نه صفحه بقطع وزیر و با کاغذ خوب به چاپ رسیده است.

آقای مرتضوی در مقدمه

خود اشاره میکنند که: « معیار اصلی کاخ لغت نویسی در زبان تازی و موسس و بنیان گذار واقعی دانش لغت و جمع تدوین آن ایرانیان بوده اند؛ آنگاه میافزاید: « بدبختانه از آغاز کار جامعان و نویسندگان فرهنگی فارسی از روش

Mahmud Pasha Angelović (1453-1474), Leiden 2001; Aydın Taneri, Bāyezīd Paşa, *TDVİA*; Aydın Taneri, *Osmanlı İmparatorluğun'un kuruluş döneminde vezir-i a'zamlık (1299-1453)*, İzmir 1997; İsmail Hakkı Uzunçarşılı, *Çandarlı vezir ailesi*, Ankara 1974; Hüseyin Hüsameddin [Yaşar], *Amasya tarihi*, 4 vols., Istanbul 1327-32/1909-14.

DIMITRIS J. KASTRITSIS

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 Eylül 2015

Burhān-i qāṭī' (021105)

Burhān-i qāṭī' ("Conclusive proof") is the title of a famous Persian dictionary by Muḥammad Ḥusayn b. Khalaf Tabrīzī, who completed it in 1062/1652, under the pen name Burhān. Little is known about the compiler; the dates of his birth and death are unknown. We do know that he was originally from Tabrīz and migrated to India, like so many other scholars of his time. He settled in Deccan and became friends with Shaykh Shams al-Dīn Muḥammad b. 'Alī Khātūn 'Āmilī, known as Ibn Khātūn (d. 1059/1649), a learned man, minister, and author from Hyderabad. He spent some time also in the service of Sultān 'Abdallāh Quṭb Shāh (r. 1035-83/1626-72), the seventh sultan of the Shīrī dynasty of Golconda, in the Deccan, and dedicated his work to him.

In the eleventh/seventeenth century, Persian language and literature had already expanded well into the Indian subcontinent, and the support of Indian rulers such as the Mughal emperors Akbar (r. 963-1014/1556-1605), Jahāngīr (r. 1014-37/1605-27), and Shāh Jahān (1037-69/1628-58) resulted in the appearance of some major Persian dictionaries in India, including *Burhān-i qāṭī'*, which has approximately 20,211 entries

(ranging between 19,060 and 20,215, in various printed editions). According to the compiler, he has made use of four previous *farhangs* (dictionaries): *Farhang-i jahāngīrī* ("Dictionary of Jahāngīr"), by Mīr Jamāl al-Dīn Ḥusayn b. Fakhr al-Dīn Ḥasan Injū Shīrāzī (completed in 1017/1608); *Majma' al-furs* ("Gathering of Persian" words), by Muḥammad Qāsim Surūrī Kāshānī; *Surma-yi Sulaymānī* ("Sulaymānī collyrium"), by Taqī al-Dīn Awḥādī (d. 1050/1640); and *Shihāh al-adwīya* ("Correctness of the Drugs"), by Ḥusayn Anṣārī (d. 806/1403-4). He must, however, have used other references as well, as there are so many words in his work that are not Persian and have been cited from several other Iranian languages, such as Avestan, Khwarāzmian, and Sogdian, together with neo-Iranian dialects such as Sīstānī, Kirmānī, Gīlakī, and Ṭabarī; some of the words seem to have been labeled erroneously. There are also words from non-Iranian languages, such as Hebrew, Syriac, Turkish, Greek, Latin, and vernacular Indian languages, especially Dakanī (the variety of Urdu spoken by the Muslims of South Indian sultanates). Also, many historical and geographic terms and many proper names of people and places have been quoted in the *Burhān-i qāṭī'*; these must have originated in other references.

Burhān-i qāṭī' contains an introduction (*dībācha*), in nine parts, each called *fā'ida* (lit., use), and the main text of the dictionary, in twenty-nine chapters called *guftārs* (lit., sayings). The main text is arranged in strict alphabetical order and is thus much easier to use than previous dictionaries; each *guftār* is divided into several parts, each called a *bayān* (lit., explanation). The writer claims to want his dictionary to encompass most of the major dictionaries of the past, and his work is significant in

021105

BURHÂN-ı KÂTI'

-
- 1 ELİF CORA, Burhan-ı Katı da yer alan Türkçe sözcükler ve deyimler dizini, Kocaeli Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2007

Burhān Muḥaqqiq's preferences, deliberations and spiritual experiences. He believed that a person whose words are not based upon his own findings and experience is merely a narrator of someone else's opinions, just as one who recites another's poetry is a narrator, not a poet (Burhān al-Dīn, 49).

At the same time Burhān Muḥaqqiq had a special liking for Sanā'ī's poetry, which he himself often quoted: for example, 'Whatever you see but God is an idol; shatter it!' (Burhān al-Dīn, 63). When questioned about this by his disciples in Konya, Rūmī excused these copious references to Sanā'ī, saying that 'introducing Sanā'ī's words casts light on that discourse. The sun casts light upon things, and by the light of the sun it is possible to see' (Rūmī, *Fīhi mā fīhi*, 207, trans. Arberry, 215; cf. Lewis, 103). It is for this reason that he is described by Shams al-Dīn Tabrīzī (2/67) as a 'special disciple' of Sanā'ī. Burhān Muḥaqqiq's passion for Sanā'ī even impacted on his daily language which was replete with expressions taken from his poetry (Burhān al-Dīn, 40, 50, 69; cf. Sanā'ī, 51, 52, 861). Rūmī's frequent references to Sanā'ī's poetry and his commentary on them in the *Mathnawī* (see 1/108) directly result from Burhān Muḥaqqiq's attachment to him and promotion of his verse.

Despite the importance of Burhān Muḥaqqiq's *Ma'ārif*, the surviving manuscripts are inconsistent and suffer from omissions and interpolations. The edition by Badī' al-Zamān Furūzānfar (Tehran, 1339 Sh./1960) is not definitive, and the editor himself wished to re-edit the text on the basis of other manuscripts that he subsequently found (Lewis, 97; see Gölpınarlı, *Mevlânâ*, 26–27; Hāshimpūr, 57).

BIBLIOGRAPHY

'Abd al-Wahhāb Hamadānī, *Thawāqib al-manāqib, awliyā' Allāh*, ed. 'Arif Nawshāhī (Tehran, 1390 Sh./2014); Aflākī, Shams al-Dīn Aḥmad, *Manāqib al-'arīfīn*, ed. Tahsin Yazıcı (Ankara, 1976); Bayram, Mikā'il (Bayram, Mikā'il), 'Sayyid Burhān al-Dīn Muḥaqqiq Tirmidhī dar talāṭum-i ḥawādith-i siyāsī', in *Mawlānā az didgāh-i Turkān*

wa Irāniyān (Tehran, 1369 Sh./1990), pp. 147–158; Burhān al-Dīn Muḥaqqiq Tirmidhī, *Ma'ārif*, ed. Badī' al-Zamān Furūzānfar (Tehran, 1339 Sh./1960); Furūzānfar, Badī' al-Zamān, *Risāla dar taḥqīq-i aḥwāl wa zindagānī-yi Mawlānā Jalāl al-Dīn Muḥammad* (Tehran, 1354 Sh./1975); Gölpınarlı, Abdülbāki, *Mevlânâ Celeddin* (Istanbul, 1952); idem, *Mevlânâ'dan sonra Mevlevîlik* (Istanbul, 1953); Ḥamd Allāh Mustawfī, *Tārīkh-i guzīdah*, ed. Edward G. Browne (Leiden, 1910); Ibn Karbalā'ī, Hāfiz Ḥusayn, *Rawḍāt al-jinān wa jannāt al-janān*, ed. Ja'far Sultān al-Qurrā'ī (Tehran, 1349 Sh./1970); Jāmī, 'Abd al-Raḥmān, *Nafahāt al-uns*, ed. Mahdī Tawḥīdīpūr (Tehran, 1366 Sh./1987); Kh'āndamīr, Ghiyāth al-Dīn, *Ḥabīb al-siyar*, ed. Muḥammad Dabīr Siyāqī (Tehran, 1362 Sh./1983); Kh'wārazmī, Ḥusayn, *Jawāhir al-asrār wa zawāhir al-anwār*, ed. Jawād Sharī'at (Iṣfahān, 1360 Sh./1981); Köprülü, Zāde Fu'ād, 'Tirmidhī', *EI*, vol. 8, pp. 797–798; Lewis, Franklin D., *Rumi: Past and Present, East and West* (Oxford, 2011); Ma'sūm 'Alī Shāh, Muḥammad Ma'sūm, *Ṭarā'iq al-ḥaqā'iq*, ed. Muḥammad Ja'far Mahjūb (Tehran, 1318 Sh./1939); Rāzī, Amīn Aḥmad, *Haft iqlīm*, ed. Jawād Faḍlī (Tehran, 1340 Sh./1961); Rūmī, Jalāl al-Dīn Muḥammad, *Kitāb fīhi mā fīhi*, ed. Badī' al-Zamān Furūzānfar (Tehran, 1360 Sh./1981), English trans. by A. J. Arberry as *Discourses of Rumi* (Richmond, 1993); idem, *Kulliyāt-i Shams*, ed. Badī' al-Zamān Furūzānfar (Tehran, 1355 Sh./1976); idem, *Mathnawī-yi ma'nawī*, ed. R. A. Nicholson (Leiden, 1933); idem, *Maktūbāt*, ed. Tawfiq Hāshimpūr Subḥānī (Tehran, 1371 Sh./1992); Şafā, Dhabīḥ Allāh, *Tārīkh-i adabiyāt dar Irān* (Tehran, 1366 Sh./1987); Sanā'ī Ghaznawī, Majdūd b. Ādam, *Dīwān*, ed. Mudarris Raḍawī (Tehran, 1354 Sh./1975); Shams al-Dīn Muḥammad Tabrīzī, *Maqālāt-i Shams-i Tabrīzī*, ed. Muḥammad 'Alī Muwahḥid (Tehran, 1369 Sh./1990), partial English trans. by William C. Chittick as *Me and Rumi* (Louisville KY, 2004); Sipahsālār, Farīdūn, *Risāla dar aḥwāl-i Mawlānā Jalāl al-Dīn Mawlawī*, ed. Sa'īd Nafīsī (Tehran, 1325 Sh./1946); Sultān Walad, Bahā' al-Dīn, *Rabāb-nāmah*, ed. 'Alī Sultānīgird Farāmarzī (Tehran, 1359 Sh./1980); idem, *Walad-nāmah (Mathnawī-yi Waladī)*, ed. Jalāl al-Dīn Humā'ī (Tehran, 1315 Sh./1936); Zarrīnkūb, 'Abd al-Ḥusayn, *Sirr-i nay: naqd wa sharḥ-i taḥlīlī wa taḥbīqī-yi Mathnawī* (Tehran, 1366 Sh./1987).

NAJIB MAYEL HERAVI
TR. FARZIN NEGAHBAN

Burhān-i Qāṭi', (lit. 'The Decisive Proof') is one of the most important Persian dictionaries. It was written in 1062/1652 by Muḥammad-Ḥusayn b. Khalaf Tabrīzī, who is also known by his pen-name, Burhān-i

Borhan-Kafi

medicine and pursue scientific and scholarly interests. Some still reside in Kermān. Among them were Mīrzā Sa'īd Šarīf Kermānī, who for some time held the office of chief physician (*hakīm-bāst*) at the court of Shah 'Abbās I (996-1038/1587-1629), and Mīrzā 'Alī-Akbar Khan Nāzem-al-Aṭebbā' (d. 1342/1924; q.v.), a physician and the author of the dictionary *Farhang-e Nafīs*, a *Pezeškī-nāma* (Essay on medical practice), and several other books and the father of the writer and scholar Sa'īd Nafīs (1314 Q.-1345 Š., 1897-1966; q.v.).

Several works of Borhān Nafīs are extant, e.g., his *Kollīyāt* (collected essays) and *Ketāb al-somūm* (Treatise on poisons). Particularly esteemed and widely used as textbooks since the 9th/15th century were his commentaries on the *Ketāb al-asbāb wa'l-'alāmāt* (Book of causes and symptoms) of Najīb-al-Dīn Moḥammad b. 'Alī b. 'Omar Samarqandī (d. 618/1221) and on *Mūjaz al-Qānūn* of Ebn al-Nafīs (d. 687/1288; see Šafā, *Adabīyāt* III, pp. 277-78). The first commentary, known as the *Šarḥ-e asbāb-e Nafīs*, was completed in 827/1423 and dedicated to Oloḡ Beg; Borhān's detailed explanations and supplementary data were the main reason why the *Ketāb al-asbāb wa'l-'alāmāt* acquired such high repute as a medical textbook. The *Mūjaz al-Qānūn* is a four-volume, rearranged summary of Ebn Sīnā's *al-Qānūn fi'l-ṭebb* by 'Alā'-al-Dīn Qarṣī, known as Ebn al-Nafīs, a native of Qarṣ in Transoxiana (ibid., pp. 274-75; for Qarṣī rather than Qoraṣī [ET² III, p. 897] see A. Mieli, *La science arabe*, Leiden, 1939, pp. 164, 349, and *Mawsū'at al-'olūm al-estāmīya*, Beirut, n.d., pt. 5, p. 1975). Borhān Nafīs began writing his commentary at Kermān and finished it in 841/1437 during his stay at Samarqand. Several other commentaries on this work were brought out, but Borhān's was considered the best and most authoritative.

Bibliography: *Kašf al-zonūn*, ed. Yaltkaya and Bilge, I, col. 77; II, col. 1900. 'Alī-Akbar Nafīs Nāzem-al-Aṭebbā', *Farnūdsār yā Farhang-e Nafīs*, Tehran, 1317-18 Š., 1938-39, I, preface by Moḥammad-'Alī Forūḡī and Sa'īd Nafīs, M.-T. Dānešpažūh, *Fehrest-e Ketāb-kāna-ye Dānešgāh-e Tehrān* III/2, Tehran, 1332 Š./1953, pp. 746, 769-70. Mīrzā Ma'sūm Nā'eb-al-Šadr (Ma'sūm-Ališāh), *Ṭarā'eq al-ḥaqā'eq*, Tehran, 1316-19/1898-1901, III, p. 106. Šafā, *Adabīyāt* IV, p. 109.

(ZABIHOLLAH SAFA)

BORHĀN-E QĀṬE' (Conclusive proof), the title of a Persian dictionary compiled in India in the 11th/17th century by Moḥammad-Ḥosayn b. Kalāf Tabrīzī, who used the pen-name Borhān. He completed the work in 1062/1651 and dedicated it to 'Abd-Allāh Qoṭbšāh (r. 1036-83/1626-72), the seventh sultan of the Shi'ite dynasty of Golconda in the Deccan. Little is known about the compiler's career. The dates of his birth and death have not been recorded. He is said to have gone to India after finishing his studies at Tabrīz and to have joined the court of 'Abd-Allāh Qoṭbšāh. This is certainly credible, because emigration of Iranian scholars and artists to India was quite common in the

10-11th, 16-17th centuries, when Indian courts were keen on having such men; but it may have been Borhān Tabrīzī's father or grandfather who went to India and he may have added the *nešab* Tabrīzī to his name in order to safeguard a privileged position by showing his Iranian origin. However that may be, he became the close friend of a lewver that at Hyderabad. Shaikh Šams-al-Dīn Moḥammad b. 'Alī Kātūn 'Āmelī, who was a minister and author and had studied under Shaikh Bahā'-al-Dīn 'Āmelī (953-1031/1546-1622; q.v.), the great scholar of Safavid Iran.

It is uncertain whether Borhān Tabrīzī, or Mollā Borhān as he is sometimes called, was also a poet. In addition to verses from his pen in the preface of the *Borhān-e qāṭe'*, a quatrain by him with a chronogram of the date of the capture of the fortress of Uḡair (1053/1643-44) in each hemistich is quoted in the *Ḥadā'eq al-sulāṭīn-e qoṭbšāhī* of Neẓāmā, a contemporary litterateur. Evidently he had mastered the techniques of verse composition, but he did not leave a *divān*. His close association with Ebn Kātūn 'Āmelī shows that he was a highly regarded scholar. Neẓāmā, who belonged to the same literary circle, not only mentions his *Borhān-e qāṭe'* and quotes one of his poems but also admires him as a polymath (*jāme' al-fonūn*).

Borhān Tabrīzī's fame, however, is due to the great popularity which his dictionary acquired. This can be attributed to the arrangement of entries in strict alphabetical order and the fact that Borhān combines the materials of other dictionaries in one volume, thus saving users the trouble of consulting several different books. It includes a large number of new words and compounds in various fields, particularly medical terms. Frequently reproduced in manuscript, it became the real basis of subsequent Persian dictionaries. The spread of printing further enhanced its popularity, and editions were repeatedly brought out in India and Iran. More than any other Persian dictionary, the *Borhān-e qāṭe'* was used by writers and linguists: at the same time it came under the scrutiny of scholars who exposed its many faults, including blatant errors (Ḥekmat, pp. XC-XCVI).

Borhān Tabrīzī states that his sources were the *Farhang-e jahāngīrī* of Mīr Jamāl-al-Dīn Ḥosayn b. Faḡr-al-Dīn Hasan Enjū Šīrāzī (completed in 1017/1608), *Majma'-al-fors* of Moḥammad-Qāsem Sorūrī Kāšānī, *Sorma-ye solaymānī* of Taqī Awhādī, and *Šehāḥ al-adwīa* of Ḥosayn Anšārī (d. 806/1403; Ḥekmat, pp. LXXXI-LXXXVI), but he must have used other sources also. The entries in different printed editions of the *Borhān-e qāṭe'* number between 19,060 and 20,215 (see Mo'īn's notes ibid., pp. LXXXVII-LXXXVIII). It contains a number of words from Iranian dialects, as well as Arabic, Turkish, Syriac, Greek, Latin, and Indian words. Borhān was not a linguist, and often labels words erroneously as Old Persian, Avestan, Pahlavi, and Dari (Mo'īn, pp. CIII-CV). He mentions the languages of K'ārazm, Sogdiana, and other Iranian dialects (for details see ibid., pp. CV-

T. Yari
1982
20/10/5

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۳

نیز آرامگاه وی زیارتگاه مردم آن دیار است. همچنین موقوفاتی برای تهیه هزینه عرس و مخارج معاش سجاده نشینان و فرزندان قطب عالم (سادات قطبیه) اختصاص داده شده بود (گجراتی، همانجا).
برای برهان الدین کراماتی نیز ذکر کرده‌اند (داراشکوه، همانجا؛ غلام سرور، ۷۰/۲). پس از وی، فرزند اولش معروف به شاه عالم، خلیفه و جانشین وی گردید (نک: ابوالفضل، همانجا).

مآخذ: ابوالفضل علامی، آیین اکبری، لکهنو، ۱۸۹۳م؛ داراشکوه، محمد، سفینه الاریاء، کانپور، ۱۸۸۴م؛ دهلوی، عبدالحق، اخبار الاخیار، دهلی، ۱۳۳۲ق؛ شاهنوازخان، مآثر الامراء، به کوشش میرزا اشرف علی، کلکته، ۱۳۰۹ق/۱۸۹۱م؛ عبدالحی، نزفه الخواطر، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۱ق/۱۹۵۱م؛ غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیاء، کانپور، ۱۳۳۲ق/۱۹۱۲م؛ غوثی شطاری، محمد، گلزار ابرار، به کوشش محمد ذکی، پتنه، ۱۹۹۴م؛ گجراتی، علی محمد، مرآة احمدی، بمبئی، ۱۳۰۷ق/۱۸۸۸م؛ لعلی بدخشی، لعل بیگ، ثمرات القدس، به کوشش کمال حاج سیدجواد، تهران، ۱۳۷۶ش؛ نیز: غلامعلی آریا

بُرْهَانُ الدِّینِ کَبِیر، نک: شطاریه.

بُرْهَانُ شَاه (اول و دوم)، نک: نظام شاهیه.

بُرْهَانِ صِدِّیقِین، نک: برهین اثبات باری.

بُرْهَانِ عِمَادِشَاه، نک: عماد شاهیان.

بُرْهَانِ قَاطِع، از مهم‌ترین فرهنگهای فارسی، تألیف محمدحسین ابن خلف تبریزی، متخلص به برهان در ۱۰۶۲ق/۱۶۵۲م. درباره مؤلف دانسته‌های ما بسیار اندک است. همین قدر می‌دانیم که او اصلاً تبریزی بوده، و چون دیگر ارباب فضل و ادب در آن عصر، به هند رفته است. او در حیدرآباد دکن اقامت گزید و همنشین کسانی مانند شیخ شمس‌الدین محمدعاملی، مشهور به ابن خاتون (د ۱۰۵۹ق) بود و حواشی جامع عباسی را به خواهش همو استخراج و مدون ساخت. برهان تبریزی همچنین مدتی را در خدمت سلطان عبدالله قطب‌شاه بن قطب‌شاه (حک ۱۰۳۶-۱۰۸۳ق/۱۶۲۷-۱۶۷۲م) از پادشاهان سلسله قطب‌شاهی هند گذراند و فرهنگ خود را به او هدیه کرد (برهان، ...، ۱-د-ه؛ حکمت، ۷۸۱-۸۱؛ دولت‌آبادی، ۲۳۶/۱؛ گلچین، ۱۶۴/۱).

از برهان تبریزی، علاوه بر این کتاب، دو ماده تاریخ هم باقی مانده است، یکی درباره تجدید بنای قصر «ندی محل» در ۱۰۵۰ق/۱۶۴۰م، و دیگری در فتح «اودگیر» در ۱۰۵۳ق/۱۶۴۳م (صاعدی، ۲۸۵، ۳۱۴، ۳۱۷).

سالها پیش از تألیف برهان قاطع، گسترش زبان فارسی در منطقه و انتشار دیوان شاعران بزرگ در دربار سلاطین هند (مانند اکبر، جهانگیر و شاه‌جهان)، سبب شده بود که تمایلی عمومی نسبت به درک ظرایف و دقائق آثار این شاعران پدید آید. بدین سبب، ادیبان و لغت‌شناسان به نگارش و تدوین فرهنگهای فارسی روی آوردند (حکمت، ۸۷/۱) و بدین ترتیب، دو دوره فرهنگ‌نویسی شکل گرفت: دوره نخست که تا سده ۱۱ق ادامه یافت، دوره جمع‌آوری لغات است، و

Matthews, *The Journal of the Palestine Oriental Society*, 1935, vol. XV; Fulton, A., *Second Supplementary Catalogue of Arabic Printed Books in the British Museum*, London, 1959; Hitti, Ph. K. et al., *Descriptive Catalog of the Garrett Collection*, Princeton, 1938; Matthews, Ch. D., «Bā'itū-n-Nufūs of Ibnu-l-Firkāh», *The Journal of the Palestine Oriental Society*, 1933, vol. XIII; Pertsch. فرامرز حاج منوچهری

بُرْهَانُ الدِّینِ قُطْبِ عَالَم، ابو محمد عبدالله (۷۹۰-۸۵۷ق/۱۳۸۸-۱۴۵۴م)، از عارفان بزرگ سلسله سهروردیه در شبه قاره هند. وی فرزند ناصرالدین محمود (قس: ابوالفضل، ۱۷۸/۳: محمد)، نواده جلال‌الدین مخدوم جهانیان بخاری (گجراتی، ۱۶/۲؛ غوثی شطاری، ۱۳۳؛ دهلوی، ۱۶۷) بود و در برخی منابع با عنوان «ثانی مخدوم جهانیان» از او یاد شده است. خاندان برهان‌الدین از سادات بخارا بودند و نسب ایشان به جعفر مثنی، برادر امام حسن عسکری (ع) می‌رسید (گجراتی، همانجا). شاید به همین سبب است که برخی، مذهب این خانواده را امامیه دانسته‌اند (شاهنوازخان، ۴۴۸/۳).

برهان‌الدین در شهر «أجه»، که اینک از توابع بهاولپور پاکستان است، متولد شد (لعلی، ۸۳۳؛ عبدالحی، ۹۶/۳-۹۷؛ غوثی شطاری، همانجا). وی ده ساله بود که پدر را از دست داد و عموی پدرش («شاه راجو قتال» (د ۸۲۷ق/۱۴۲۴م) سرپرستی او را بر عهده گرفت. پس از چندی به اشاره وی زادگاه خود را ترک کرد و در ۸۰۲ق/۱۳۹۹م عازم شهر پتن شد. در آنجا سلطان مظفر شاه اول - که خود از مریدان جد وی بود - به استقبال او آمد (گجراتی، ۱۶/۲-۱۷). در همین شهر مدتی نزد علیشیر گجراتی علوم ظاهری و باطنی را فراگرفت و در زمره مریدان شیخ احمد کهتو درآمد و استاد بر او خرقه پوشاند و لقب قطب عالم به او داد (لعلی، ۸۳۴؛ عبدالحی، ۹۷/۳؛ گجراتی، ۱۷/۲؛ ابوالفضل، نیز غوثی شطاری، همانجاها). وی گذشته از شیخ احمد کهتو، از بزرگان دیگری چون حامد بن محمود حسینی بخاری، صدرالدین ابن احمد اچسی و شیخ نورالدین ابوالفتوح شیرازی نیز خرقه دریافت کرد (عبدالحی، همانجا).

در ۸۱۳ق/۱۴۱۱م که سلطان احمد، شهر احمدآباد را بنا کرد، برهان‌الدین قطب عالم به درخواست وی از پتن به آنجا آمد. سلطان احمد هنگام ورود او قصیده‌ای را که در مدح وی سروده بود، قرائت کرد (گجراتی، همانجا). پس از حضور برهان‌الدین در احمدآباد، مسجدی نیز در محله اساول برای او بنا شد. وی سپس به روستای «بتوه» در نزدیکی احمدآباد - که سلطان احمد آن را به وی واگذار کرده بود - رفت و بقیه عمر را در آنجا گذراند (عبدالحی، گجراتی، همانجاها).

سال درگذشت برهان‌الدین را ۸۵۰ق (نک: گجراتی، ۱۷/۲) و ۸۵۶ق (داراشکوه، ۱۱۷) نیز ذکر کرده‌اند. بیکر برهان‌الدین ابتدا در اساول به خاک سپرده شد، اما پس از ۳ روز بعضی از خلفای وی مصلحت دیدند که آن را به بتوه منتقل کنند (لعلی، ۸۳۳-۸۳۴). پادشاهان تیموری هند بارها مزار وی را زیارت کردند (EI²) و اینک

Prof. Dr. Tahsin Yazıcı Koleksiyonu

HAZİRAN TAYINLANDIĞINDA
SONRA BELEN DÖKÜMÜ

123 TEMMUZ 1993

ÖMER ASIM AKSOY ARMAĞANI

Yazı Kurulu

MUSTAFA CANPOLAT, SEMİH TEZCAN
MUSTAFA ŞERİF ONARAN

ANKARA ÜNİVERSİTESİ BASIMEVİ - ANKARA 1978

TÜRK DİL KURUMU YAYINLARI

BURHAN-I KATI' ÇEVİRİSİNİN TÜRKÇE AÇISINDAN ÖNEMİ

ORHAN ŞAİK GÖKYAY

MÜTERCİM AHMET ASIM EFENDİ, TEBRİZLİ HÜSEYİN b. HALEF'in *Burhan-ı Katı'* adını taşıyan sözlüğünü *Tibyan-ı Nafi' der Terceme-i Burhan-ı Katı'* adıyla Türkçe'ye çevirmiştir. Bu Farsça-Türkçe sözlük, türlü bakımlardan üzerinde durmaya değer. ASIM EFENDİ, *Burhan-ı Katı'ı Kamusü'l-Acem* diye tanıtmakta onun için (Türkçeleştirilmiş ve özetlenmiş olarak) şunları söylemektedir:

"Bugün Türkiye'de elde dolaşan bu tür sözlüklerden hiçbiri onunla ölçülemez. *Burhan-ı Katı'*, Farsça sözcüklerin anlamlarını doğru olarak verir; bu dildeki deyimleri ve terimleri toplamıştır; her bakımdan yeterlidir. Otuzu aşkın sözlükten yararlanılarak hazırlanmıştır. Astronomi, astroloji, hendese, felsefe, ilahiyat, tasavvuf gibi türlü bilimlerle ve konularla ilgili incelemeler bu sözlükte bir araya gelmiştir; bundan dolayı Fars ve Türk bilginleri arasında el üstündedir".

ASIM EFENDİ, işte taşıdığı bu değerlerden dolayı ve onun öğrencilere yararını göz önünde tutarak bu eşsiz sözlüğü Türkçe'ye çevirmeye girişmiştir. Bu işi yaparken yalnız *Burhan-ı Katı'*a bağlı kalmamıştır. Oradaki Farsça sözcüklerin, deyimlerin ve terimlerin tam karşılığını arayıp bulmak, yerine koymak, türlü konularla ilgili sözcükleri, deyimleri, terimleri açıklamak kaygısıyla, gerektikçe daha birçok kaynaklara ve kitaplara başvurmuştur. Önsözünde bir bir saydığı kitaplar şunlardır: *Ferheng-i Mahmudî, Mecmau'l-Fürs-i Kâşânî, Mecmau'l-Kavâid ve Câmiü'l-Fevâid, Ferheng-i Şuûrî, Halimî, Nime-tullah, Câmiü'l-Fürs, Şeref-name, Tacü'l-Masâdir, Deşîşe, Lehcetü'l-Lügat, Ak-sa'l-Ireb, Kenzü'l-Lügat, Müşkilât-i Şeh-name, Sihâhu'l-Acem, Nevâdirü'l-Lügat, Kamus, Ahteri, Vankulu, Terceme-i Tuhfetü'l-Müminîn, Feyziyye, Gayetü'l-İtkan, Müfredât-ı Şeyh İsa, Ferâidü'l-Müfredat, Tarîfât-ı Seyyid Şerîf, Istilâhât-ı Sâfiyye, Şerh-i Fusûs, Şerh-i Çağmîni, Hulâsâtü'l-Hisâb, Matâlib-i Âliye* ve bunların benzeri nice makbul kitaplar.

Görüleceği üzere, bunların içinde yalnız sözlükler değil, tıp, tasavvuf, mitoloji, dilbilim, matematik, tarih gibi türlü konularda, adı belli kaynaklar da yer almaktadır.

S.125-136



صفحه 1 از 138 صفحه

شماره مدرک : ۷۷-۳۷۱۰م

نوع مدرک : کتاب فارسی

رده کنگره : ب.ب/ب.ب/PIR????

رده دیوبی : ۴۶۳

سر شناسه : برهان ، محمدحسین بن خلف ، قرن ۱۱ق

عنوان : برهان قاطع

تکرارنام پدید آور : تالیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص برهان مولف بسال ۱۰۶۲ هجری قمری با مقابله نسخ متعدد خطی و چاپی و تصحیح ، و توضیح وجه اشتیاق و ذکر شواهد ، و افزودن لغات بسیار و تصاویر و نقشه ها

ویرایش : ویرایش ۲

محل نشر : تهران

ناشر : امیرکبیر

تاریخ نشر : ۱۳۶۲-

صفحه شمار : ۵ ج .: مصور ، نقشه ، عکس ، نمودار

ص.ع. به : ص.ع. لاتینی شده-Mohammad Hosayn ebn-e khalaf de tabriz. Borhan
:e Qate

توضیح : جلد پنجم این کتاب تعلیقات این کتاب می باشد

بهاء : ۴۵۰۰ ریال

موضوع ها : فارسی--واژه نامه ها

شناسه ها : معین ، محمد ، ۱۲۹۱- ، ۱۲۵۰ گرد آورنده/ د هخدا ، علی اکبر ، ۱۲۵۸- ،
۱۲۳۴ مقدمه نویس/عنوان

Powered By ParsAzarakhsh Co.
All rights reserved.

iran Milli Kütüphane
Kütüphane

www.nli.ir



صفحه 5 از 138 صفحه

شماره مدرک : ۴۳۶۰-۵۰م
 نوع مدرک : کتاب فارسي
 رده کنگره : ?ب?ب/ PIR????
 رده ديويي : ۴ف۳
 سر شناسه : برهان ، محمدحسين بن خلف ، قرن ۱۱
 عنوان : برهان قاطع
 تکرارنام پديد آور : تالیف محمدحسين بن خلف تبريزي متخلص ببرهان . با مقابله نسخ متعدد خطي و چاپي و تصحيح و توضيح و توضيح وجه اشتقاق و ذکر شواهد و افزودن لغات بسيار و تصاویر و نقشه ها با هتمام محمد معين . مقدمه هاي به قلم علي اکبر د هخدا ، ابرا هيم پورداود ، علي اصغر حکمت ، سعید نفیسي
 ویرایش : ویرایش ۲ با تجدیدنظر کامل
 محل نشر : تهران
 ناشر : ابن سینا
 تاریخ نشر : ۱۳۴۲ سال تالیف ۱۰۶۳ق
 صفحه شمار : ۵ ج .: مصور ، جدول
 ص.ع. به : فرانسسه Mohammad Hosayn ebn-e Khalaf de Tabriz. Borhan-e qate...
 واژه نامه : جلد پنجم " تعلیقات " است
 کتابنامه : دارد
 موضوع ها : فارسي-- واژه نامه ها
 شناسه ها : معين ، محمد ، ۱۳۹۷- ، ۱۳۵۰ مصحح/ عنوان

Powered By ParsAzarakhsh Co.
 All rights reserved.

La Per
B. G. S. C.
Journal of the Royal Asiatic Society
of Bengal, 37/1, 1868 London
pp. 1-72

English Dictionary
- Farhang 12-16
- Surūri-yi Kazar 16-18
- Burhān-Katī 18-20

Contributions to Persian Lexicography.—By H. BLOCHMANN, Esq. M. A.,
Assistant Professor, Calcutta Madrasah.

[Received 11th April, 1868.]

One of the greatest lexicographical undertakings which so eminently distinguish our present time, is Lane's Arabic Dictionary. The Arabic student who hitherto had at nearly every step to supply or correct his meagre vocabularies, finds in it all he can desire. The learned natives of India who had looked upon Firūzābādī as insurpassable, are astonished to hear of a *Mudd i Qānūs*. England may indeed be proud of a work which marks an epoch in the history of Arabic learning in Europe.

We trust that the standard which Lane's Dictionary has created, will soon be followed by a compiler of a Persian Dictionary. There exists no reliable Persian Dictionary. Nothing worth the name has been done for Persian lexicography since the days of Castelli and Meninski. This is a matter of surprise, as there are most excellent sources from which a good Persian dictionary could be compiled. The deficiency of all existing dictionaries lies in this, that the compilers, one and all, have used secondary or tertiary sources, instead of having recourse, as Lane did, to original and carefully selected native works.

The sources for compiling a reliable Persian dictionary are the lexicographical works written by *Indians*. In India, as in Turán,

Persian has been a subject of study and the medium of education. The value of the Indian dictionaries is fully acknowledged by the Persians themselves. Surūri's *Majma'ul-furs* is indeed the only dictionary written by a Persian, which a compiler will have to consult; and even this book is *half* Indian. The number of Irānī lexicographers is small. The better dictionaries written before A. D. 1400 are mostly of Turānīan origin. The very first Persian dictionary was written at Soghd. With 1400 the period of the Indian dictionaries commences. Each is an improvement upon the preceding; in each we find the number of words and quotations steadily increasing, till we see them culminating in the *Farhang i Jahāngiri*, which brought the old Turānī and Irānī dictionaries into oblivion. The practical vocabulary, entitled *Burhān i Qāfī*, which has been acknowledged to be the

جامع ترین لغات فارسی

closes the first period, the *period of gathering*, A. D. 1400 to 1652.

With *Rashīdī* commences the second epoch of the Indian dictionaries, the *period of criticism*. The two dictionaries of this period, though not yet used by European compilers, must be the basis of a critical dictionary of the Persian language. *Rashīdī's Farhang*—let compilers like obedient murīds follow this murshīd!—is a critical work on all Indian dictionaries up to the *Farhang i Jahāngiri*, whilst the *Sirāj ullughāt* by Khān Arzū is the indispensable *Vade Mecum* for those who use the *Burhān*. The *Sirāj* is at the same time the last dictionary of note for the classical Persian. Towards the end of the past century at last, when sufficient time had elapsed since the death of Kalīm, the last poet of the silver age of Persian literature, there appeared the *Muṭalabāt ushshu'arā* and the stupendous *Bahār i 'Ajām*, two works written by Hindoos on the *Isti'māl i Mutaakkharīn* or usage of the writers after Jāmī, the last, though not the least, of the classics. The dictionaries of the present age, with the exception of the *Ghiās ullughāt*, deserve no notice. The *Shamsullughāt* compiled under the direction of a gentleman whose family is known in Calcutta for their liberality, and the *Haft Qulzum* of Lucknow are too full of typographical errors, to render their use desirable.

We may notice that nearly every province of India can point to a lexicographer. Bengal is represented by the quaint *Farhang i Ibrāhīmī*; Bahār by the *Kashī*; the Dekkhan by the *Burhān*; the

289848
11.3.41

(021105) BURHÂN-I KATI (KATI BURHAN)

Yusuf Azmun*

(Hazırlayanlar Prof. Dr. Mürsel Öztürk ve Dr. Derya Örs, Ankara, Türk Dil Kurumu Yayınları, 2000, Eski Yayınlar Dizisi 2, XLIX + 1197 s.)

Nüsha-i âşüfte-i dîvân-ı ömrüm sorma hîç
Hat galat, imlâ galat, inşâ galat, ma'nâ galat
Lâedrf

“Burhân-ı Katı” (Katı Burhan) Sözlüğünün 5-10 Sayfasından Alınan Örnekler Üzerine Bir Düzine Not

Türk Dil Kurumu tarafından basılan “Burhân-ı Katı” sözlüğü Türk dili tarihinde önemli yeri olan çok değerli bir kaynak kitaptır. Türk Dil Kurumu’nu ve adı geçen sözlüğü basıma hazırlayan Prof. Dr. Mürsel Öztürk ve Dr. Derya Örs’ü bu önemli girişimlerinden dolayı kutluyorum. Ne yazık ki kitabın akıl almaz ve saymakla bitmeyecek hataları, yayımdan önce bir raportörün ya da redaktörün, hatta üçüncü bir şahsın elinden geçmediğini gösteriyor. Bu durum da Türk Dil Kurumu ve kitabı baskıya hazırlayanların bu önemli girişiminin değerini sifıra indiriyor. Yıllardır edinemediğim bu sözlüğü, TDK yayınları arsında görünce çok sevindim. Bir nüshasını satın aldığım zaman arzusunun kavuşmuş bir insanın coşkusunu yaşadım. Şimdi “Burhân-ı Katı” iş yerimdeki odamda bulunuyor. Sözlüğü odamda gören her öğrenci kitabın adının ikinci kısmını kısa a ile telaffuz ediyor. Böyle telaffuz edilen bir tamlama da kitaba “Katı Burhan” gibi bir anlam kazandırıyor! Yanlışlıkları adından başlayan bu sözlüğün beş on sayfasında bulunan hataların tamamını değil, yalnız rastgele seçtiğim örneklerde gördüğüm yanlışlıkları, Farsça türlerine bir girişle birlikte bir düzine notta okuyucuların bilgisine sunuyorum:

1. Bugün, İran Farsçası (Fars.), Tacikçe (Tac.) ve Türkiye’de Avrupa transkripsiyonuna bakılarak Darî, hatta Dârî olarak bilinen Afganistan Farsçası ya da açık e ile Dârî şeklinde telaffuz edilen Derî (Der.) ve Osmanlıca Farsçası (Osm.) olmak üzere dört çeşit Farsça vardır. Bunlar temelde bir ise de başka farklılıklar yanında fonetik bakımından da farklılıklar gösterebilirler. Bu fonetik olay genellikle belli seslerin telaffuzunda aşağıdaki gibi ortaya çıkar:

a. Tac. ve Der. u~ Fars.’da bazan o~, Osm.’da ise genellikle ü olur.
Örneğin Tac. ve Der. Bulbul > Fars. bolbol, Osm. (Türkçe) bülbül.

Lefke Avrupa Üniversitesi Fen Edebiyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü

Olay ağırlıklı olan bölümlerde kısa ve daha çok fiil cümleleri kullanılırken tasvir bölümlerinde sıfatların çok kullanıldığı uzun cümleler dikkati çekmektedir. Sıfatların çok kullanılması duygusallığın doruk noktasına ulaştığı bölümler için söz konusudur.

Sonuç

Aşk, dünya edebiyatında olduğu gibi Türk edebiyatında da en çok işlenen konuların başında gelmektedir. Edebiyatımızda her dönem işlenen bu konu Tanzimat’tan sonraki roman ve hikâyelerinin de en önemli konusu olmuştur. Özellikle de Cumhuriyet sonrasında moda olan popüler aşk romanlarıyla geniş okuyucu kitlelerine ulaşılmış, genç kızlar ve kadınlar tarafından büyük bir ilgiyle takip edilmiş, bir anlamda söze dökülemeyen duyguların dile gelmesi sağlanmıştır. Popüler aşk romanlarının popülerliği sonraki yıllarda da devam etmiş, gerek kitap gerekse tefrika halinde yine geniş okuyucu kitlelerine ulaşmıştır.

Üzerinde kısa bir inceleme yaptığımız *Ümit* romanı da popüler aşk romanlarına bir örnek teşkil etmektedir. Olay örgüsüyle, kişilerin aşırı duygusal ve hassas yönleriyle, zaman ve mekânın kullanımıyla, kendinden önce yazılan aşk romanlarından farklı olmayan özellikler göstermektedir.

Olay örgüsünde aşk hiç kuşkusuz ön plandadır; her şey onun etrafında gelişir ve sonuçlanır. Ayrılıklar, umursamazlıklar, mutsuzluklar olay örgüsünün temelindedir. Ancak bu mutsuzluklar, büyük bir mutlulukla biter; sevgililer kavuşur. Popüler aşk romanı okuyucusunun yazardan beklediği de bu mutludur.

Kişiler yüzeysel olarak işlenmiştir; psikolojileri fazla dikkate alınmaz. Kişilerin duygularından bahsedildiği bölümlerde de fazla derine inilmeden ayrıntısız bir anlatım söz konusudur.

Zaman ve mekân konusunda da fazla ayrıntıyla karşılaşmayız. Zaman ve mekânın insan psikolojisi üzerindeki etkileri üzerinde çok az durulmuştur.

Romanda kullanılan dil ise yine popüler aşk romanlarında kullanılan bol sıfatlı ve uzun cümlelerden oluşmuş bir dildir. Olay ağırlıklı bölümlerde kısa fiil cümleleri kullanılmasına rağmen duyguların yoğunlaştığı bölümlerde çok sıfatlı, uzun, anlaşılması güç bir anlatım tercih edilmiştir.

Diğer popüler aşk romanlarıyla kıyaslandığında orijinal bir özelliği, dikkat çekici bir farklılığı olmayan *Ümit*, ünlü bestekâr ve güfte yazarı Yusuf Nalkesen’in romancı yönünü de göstermesi bakımından bir önem taşımaktadır ve fazla bir estetik değeri yoktur.

DİPNOTLARI VE KAYNAKLAR

- 1 James M. Kelly, "Divanü Lûgat-it-Türk'ün Yeni Baskısı Üzerine", Türk Dili (Divanü Lûgat-it-Türk Özel Sayısı), c. XXVII, S. 253, Ankara 1972, s. 108.
- 2 Ali Haydar Bayat, "İslâm Öncesi Orta Asya Türk Dünyasında Tababet", Türklere, c. II, Yeni Türkiye Yayınları, Ankara 2002, s. 449-459; "Medicine in the Pre-Islamic Central Asian Turkish World", History of Medicine, Pharmacology, Veterinary Medicine in Anatolia and Turcic Cultures, 38th International Congress on History of Medicine, ISHM&TTTK, İstanbul 2002, pp. 49-69.
- 3 DLT, 1/4⁶⁻¹⁵.
- 4 Mahmûd b. el-Hüseyn b. Muhammed el-Kaşgarî, Kitâbu Divânu Lugâti't-Türk [Telif 466], Matbaâ-i 'Âmiri, İstanbul 1333-1335 [1915-1917], c. I, 436+12 s.; c. II, 294+25 s.; c. III, 333+17 s.
- 5 Divanü Lûgat-it-Türk Tercümesi [Terc. Besim Atalay], Türk Dil Kurumu, Ankara 1939-1945, c. I, II, III, Tıpkı basım ve Sözlük.
- 6 Hüseyin Namık, "Türk Tarihi Tedkikâtı: Eski Türklerde Tabâbet, Millî Oyunlar, Harb", Der-gâh, c. II, S. 23, 20 Mart 1338 [1922], s. 169.
- 7 "Divanü Lûgatütürkten Çıkarılan Türkçe Tıp Kelimeleri", Tedavi Seririyâtı ve Laboratuvarı Mecmuası, c. IV, S. 14, İstanbul 1934, s. 87-90.
- 8 Ayten Altıntaş, "Eski Türk Tıbbına Bir Bakış", Tıp Tarihi Araştırmaları, S. 1, İstanbul 1983, s. 84-86.
- 9 Ayten Altıntaş, "Divanü Lûgat-it Türk'teki Tıbbî Bitkiler", Türk Dünyası Araştırmaları, S. 25, İstanbul 1983, s. 136-148; Tıp Tarihi Araştırmaları, S. 10, İstanbul 2001, s. 64-71.
- 10 Ayten Altıntaş, "Divanü Lûgat-it Türk'deki Tıp Terimleri", Tıp Tarihi Araştırmaları, S. 2, İstanbul 1988, s. 65-73.
- 11 Maria Nyiri, "Kaşgarlı Mahmud'un Divanü Lûgati't-Türk Adlı Sözlüğünde Bitki Adları", V. Milletlerarası Türkoloji Kongresi [İstanbul, 23-28 Eylül 1985] Tebliğler, I Türk Dili, c. I, İstanbul 1985, s. 205213.
- 12 Ziyat Akkoyunlu, Ali Abbas Çınar, "Divânü Lûgati't-Türk'te Halk Hekimliği", Türk Kültürü, c. XXXII, S. 371, Ankara 1994, s. 162-171(34-43).
- 13 Reşat Genç, Kaşgarlı Mahmud'a Göre XI. Yüzyılda Türk Dünyası, Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü, Ankara 1997, s. 146-153.



22 KASIM 2005

BURHÂN-I KÂTİ'DA TABÂBET

Prof. Dr. Ali Haydar BAYAT*

Medicine in *Burhan-ı Katı*

Having been composed by *Mütercim Âsım* by translations from Persian into Turkish and with additions in the 18th century, *Burhân-ı Kâtı* comprise a rich material regarding classical Turkish-Islamic medical terminology. The work includes Arabic and Persian equivalents of classical medical terms, *Türkî* (mostly used Turkish), vocabulary at *Turkistan* (Turkish language spoken in Turkic nations outside Anatolia), *Türk-î Kadîm* (old, archaic Turkish), *Türk-î gayr-ı meşhûr* (unprevalent Turkish), *Türk-î mehcûr* (disused Turkish), *Taşra Türkçesi* (local Turkish spoken in the provinces outside *İstanbul*), *Avâmî Türkî* (colloquial Turkish), Persian words with no equivalents in Turkish, *Gaziantep* local vocabulary beginning such as "in our region, in our district". These are all very important to Turkish language and literature and we have dealt only with the Turkish medical terms as a whole.

Key words: *Burhân-ı Kâtı*, *Mütercim Âsım*, Turkish medical terms, 18th century.

Anahtar kelimeler: *Burhân-ı Kâtı*, *Mütercim Âsım*, 18. yüzyıl Türkçe tıp terimleri

Yirmi beş sene kadar önce **Orhan Şaik Gökyay**'ın bir makalesinde okuduğum, *Mütercim Âsım* Efendi'nin Türkçe'ye çevirdiği *Burhân-ı Kâtı*'dan bahsederken, sözlüğün, Osmanlı metinleri için önemi yanında, derin Türkçe bilgisi sebebiyle Türk edebiyâtı, folkloru, tıbbî gibi kültür dünyamızın çeşitli alanlarında çok kıymetli bilgileri ihtiva ettiğini bildiriyordu.¹

O dönemde *Burhân-ı Kâtı*'yı sahaflarda aramama rağmen bir nüshasını edinemedim. Hoş! Edinsem de o günlerde tıbbî açıdan sözlüğü taramam da imkânsız denecek kadar zordu. O dönemde Osmanlıca'mın yeterliliği yanında, sözcüklerin Arap lûgat dizimine göre aranması gerektiği için bu tarama yıllarımı alacaktı.

Hafızamın bir kenarında kalan bu bilgiler, *Burhân-ı Kâtı*'nın Türk Dil Kurumu tarafından, günümüz sözlük düzeninde, Lâtin alfabesiyle yayımlanmasıyla yeniden gün yüzüne çıktı.² Çift sütun, 1196 sayfalık kitabı bir çırpıda okudum. Gerçekten de Türk kültürü için bir hazine mahiyetinde idi. Hemen yıllar önceki düşüncemi, yani sözlüğü tıp ve tıp tarihi açısından taramaya başladım. Ancak XVIII. yy sonu Osmanlı Türkçe'si ile çevrilen eserin dilini de günümüze Türkçe'sine aktardım. Bu tarama sonucu 1484 maddelik tıp sözlüğü ortaya çıkmış oldu.

Mütercim Ahmed Âsım [Ayıntap 1755 - İstanbul 1819]

* Ege Üniversitesi Tıp Fakültesi, Tıp Tarihi ve Deontoloji ABD, Bornova/İzmir.
e-posta: bayat@med.ege.edu.tr

ATATÜRK KÜLTÜR, DİL VE TARİH YÜKSEK KURUMU

TÜRK DİL KURUMU YAYINLARI : 733

TÜRKİYE TÜRKÇESİ SÖZLÜKLERİ PROJESİ
ESKİ SÖZLÜKLER DİZİSİ: 2

Mütercim Âsım Efendi

BURHÂN-I KATI

Türkiye Diyanet Vakfı İlahî Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi Yavuz ARGIT Bölümü	
Dem.No.	119.387
Tes.No.	491.503 TEB.13

Hazırlayanlar

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Prof. Dr. Mürsel Öztürk Dr. Derya Örs

05 MART 2002

Ankara, 2000

على رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات استانبول
و أناتولي، الجزء الثالث، ص. 1443 [y.y., t.y.] ISAM 141629

16 HAZ 2006

MADDELERİNİN İKİNCİ KISMI
SONRASI İZLENİMLERİNE İZİN
OLURSA

Burhan-ı Kati

4759 - محمد حسين بن خلف تبريزي اللغوي الشاعر

المستخلص برهان التبريزي الأديب المشوف بعد سنة

1652/1062

(أنظر : الذريعة 98/3-99 ؛ سيف الدين أوزاكه 120/5 ؛

أحمد منسوري 1924-1922/3)

من تصانيفه :

1 - برهان قاطع - في اللغة الفارسية البهلوية وبعض اللغات

التركية

تاريخ التأليف 1062 هـ؛ ألفه باسم السلطان عبد الله قطب شاه

المشوف 1083 هـ؛ قيصري راشد أفندي رقم 1034 ورقة

420 ، 1157 هـ عاشر أفندي رقم 372 ورقة 586 ؛

أمانت خزينه سي رقم 2047 ورقة 459 ، 1151 هـ متحف

مولانا رقم 3959 ورقة 559 ، 1098 هـ راغب باشا رقم

1404 ورقة 396 ؛ لاله بي رقم 3538 ؛ داماد زاده رقم

1751 ؛ لالا إسمايل رقم 642 ؛ حميديه رقم 1364 مكرر ؛

ولي الدين أفندي رقم 3090 صفحة 1154 ؛ أسعد أفندي رقم

3183 ، 3184 ، 3185 ، 3186 ، 3187 ؛ نشري

طهران 1259 ، 1305 وفي بولاق 1251 ، 1268 وفي

1302 ، 1214 Istanbul ؛